



معبد زور یا زون در زمین داور

این معبدی که از بقایای دوره قبل از اسلام و کیش آفتاب پرستی بود حین غلبه اسلام در قرن اول اسلامی از بین رفت.

• درین باره شرحی در کتاب افغانستان بعد از اسلام (طبع کابل ۱۳۴۵ ش) از صفحه ۱۱ تا ۱۵ نوشته ام ولی در آنوقت موقعیت حقیقی این معبد معلوم نبود و چون در کتاب تاریخ اصل نامها مسخ شده داون و زور و غیره طبع کرده اند بنا برین معلومات ذیل را ضمیمه آن حصه کتاب می سازم تا مبحث مذکور به نتیجه قطعی برسد.

• در الکامل طبع بریل ۱۸۶۹ م (ج ۳ ص ۱۲۹) نیز داور و زور را بغلط (بلد الداون و جبل الزور) طبع کرده اند که در نسخ خطی جبل الروذ - الرور - الرود هم بوده و همه آن از غلط نویسی کاتبان نشئت گرفته است.

• شکل صحیح این هر دو کلمه از روی واقعیت امروزی بخوبی تشخیص شده می تواند بدین معنی که اکنون این سرزمین غربی صحرای هلمند را که متصل به کوهسار جنوب غور است (زمین داور) گوئیم که آثار بلاد آبادیهای کهن در آن فراوان نمایان است و زراعت از آب دریاها و کاریزهاست که در آن وادی زیبا اقوام علیزی افغانان پشتو زبان سکنی دارند و مرکز اداری آن اکنون موسی کلاست که در جنوب آن بفاصله دو سه میل جایی بنام ده زور علیا و سفلی موجود است و همدرین جا آثار مخروب ابنیه کهن نمایان است که آنرا مردم (کافر قلعه) گویند.

• پس از روی همین تسمیه و موقعیت باوثوق نزدیک بیقین گفته بتوانیم که شکل صحیح هر دو کلمه داور و زور است که باید بقایای این معبد کهن سال را با حفریات علمی باستان شناسی کشف کرد.

• اما درباره املای زون هم میتوان گفت که تصحیف کاتبان نیست زیرا شکل سوناگیر آن در نوشته های هیون تسنگ نمایان است.

• سون = زرن به ماده Sun انگلیسی میانه نزدیکی دارد. که معنی آن آفتابیست و در انگلوساکسن

Sunne بود که قرابتی با Sonni جرمنی دارد و در السنه آریایی قدیم هندو اروپا ریشه آن در Su-en-San-en بنظر می آید^(۱) که در سنسکریت Sura بمعنی آفتاب و شخص هوشیار و دانشمند = سوری بوده و سوریا Surya به معنی آفتاب یا رب النوع شمس است که در ریگویدا و اوستا نیز ریشه قدیم دارد و سور در بها شامیانه مجسمه خدا یا بت یا آفتاب بود^(۲) که در متالوژی هندو اسمای اعلام و اماکن هند ریشه عمیقی دارد و علاوه بر معنی آفتاب گاهی مفهوم پهلوان نیز از آن مراد می باشد^(۳).

• که در اوستا هم سوره معنی قوی و توانا داشت^(۴).

• بدینطور اشکال زور و سور و سون و زون همه سوابق تاریخی دارد و آنچه در گزارش هیون تسنگ و تواریخ عرب ضبط شده (زور - زون) هر دو صحیح است و نامهای قبيله زوری و سوری هم به یک ریشه میگردند. منتهی املای داون و زوز در الکامل تصحیف صریح است که طابع هم آنرا تصحیح نه کرده است. هیون تسنگ دوبار این معبد معروف را ذکر کرده یکی در سال ۶۳۰ م هنگامیکه از کاپیسا به هند میرفت گوید فاصله ۷۰ الی = (تخمیناً ۲۳ میل) در جنوب کاپیسا کوه او - لو نو O-LO-NO (ارونا = Aruna) دارای مغاره ها و تیغه ها و پرتگاههای مهیب است و نخستین بار (سونا) روح آسمانی از فاصله دور بدینجا آمده ولی بعداً به کوه بلند سوناگیر (تسو - نا - هیلو) به سرزمین (تسو کو = چا) یعنی زابلستان رفت^(۵).

• بعد ازین در حین بازگشت از هند ماه جون ۶۴۴ م = ۲۴ هـ می نویسد: روح دیواه از کوه ارونا واقع کاپیسا به تسو - کو - چا Tsu-ku-CHA (زابل) آمده در ناحیتهای جنوبی آن در کوه سوناگیر اقامت نمود. تمام مردم آنرا پرستشی کنند و هر سال شهزاده گان اشراف و مردم دور و نزدیک در جشن آن فراهم آیند و طلا و نقره و دیگر اجناس گرانبها را با گوسفند و اسب و دیگر حیوانات اهلی فراوان تقدیم دارند که احدی راجرئت تصاحب و طمع در آن اموال نباشد^(۶).

• هیون تسنگ وسعت تسو - کو - چا را در حدود هفت هزار لی (تقریباً دونیم هزار میل) می نویسد که پایتخت آن هو - سی - نه (غزنه) شهر دیگر معروف آن هو - سا - له (هزاره) است و از بیان جغرافیون و مؤرخین دوره اسلامی نیز پدیدار است که نهایت جنوبی زابل تا کرانههای هلمند و سیستان میرسید. پس معبد سوناگیر باید در سرزمین های جنوبی زابلستان یعنی کرانههای هلمند باشد.

• در اوایل عصر اسلامی که این معبد هنوز هم موجود بود. فاتحان اسلامی آنرا در (زمین داور) سرزمین نهایی جنوبی زابلستان یافته اند و مستر مارتن نیز عقیده دارد که معبد سوناگیر هیون تسنگ همان پرستشگاه نیست که در زمین داور واقع بود^(۷).

• در مؤرخان دوره اسلامی نخستین بار احمد بن یحیی بلاذری (متوفی ۲۸۹ هـ) در فصل

فتوحات سیستان و کابل چنین گوید:

• "در سنه ۳۰ عبدالله بن عامر به کرمان آمد وی ربیع بن زیاد حارثی را به سیستان فرستاد و او به وادی هلمند آمد و با پرویز مرزبان زرنج صلح کرد و زمان حاکمی ربیع دونیم سال بود که بعد ازو عبدالرحمن بن سمره بر زرنج والی شد، وی بر نواحی رخج و بلاد داور نیز چیره آمد و مردم داور را در جبل زور (زون) حصار داد و با آنها صلح نمود. درین پیکارها از جمله هشت هزار لشکریان ابن سمره چهار هزار تلف شدند و بت زور را بدست آورد که از طلای ناب بود و چشمان یاقوتی داشت وی دستهای آنرا برید و یاقوت ها را بیرون کشید و به مرزبان آنجا داد و گفت: مراد من این بود تا بدانی که بت سود و زیانی را رسانیده نمی تواند^(۸)".

• این واقعه را ابن اثیر در حوادث سال ۳۱ هـ بهمین نحو از البلاذری نقل کرده که ضبط نسخه های فتوح البلدان (الزور) است ولی در نسخه مطبوع ابن اثیر (مطبعة از هریه قاهره ۱۳۰۱ ق) الزور و بلد الداو طبع شده^(۹) و ظاهر است که این نامها از طرف کاتبان نسخها مسخ گردیده و در ضبط آن تصحیف بعمل آمده است. بدانکه مؤرخان و جغرافیانگاران اسلامی را در ضبط این نام تشویش است که آنرا بدو صورت ضبط کرده اند: مثلاً یاقوت حموی از قول ابو زید احمد بن سهل بلخی متوفی ۳۲۲ هـ و اصطخری (حدود ۳۴۰ هـ) ذکری را از معبد زمین داور عیناً مانند البلاذری می آورد و نام بت را بدو شکل زور - زون ضبط میکند^(۱۰) که لی سترنج این معبد معروف را نزدیک شهر تل زمینداور شمرده اند^(۱۱). اکنون هم بهمین نام موجود است. چنین به نظر می آید که از زمان قدیم در نقل این روایت تصحیفی در املائی اصل کلمه که (زون) بود وارد آمده و آنرا زور یا زوز و غیره نوشته اند و حتی یاقوت نیز هر دو وجه را نقل کرده و گوید: زور بضم اول بتی بود در بلاد داور و زون بضم اول بت و بتکده باشد جریر گفت:

• یمشی بهالبقر الموشی اکرعه

• مشی الهرا بذبغی بیعة الزون

• روبه راست^(۱۳):

• وهنانه کالزون یجلی صنمه

• از اسناد قدیم تر روشن می آید که کلمه زون یا زور اصطلاح عربی نیست زیرا نویسندة لسان العرب تصریح میکند که الزون بضم ز همان زون فارسی است و قبل ازو موهوب بن امد جوالیقی (۴۰۵ - ۵۴۰ هـ) الزور و الزون را هر دو بمعنی صنم آورده و گوید: و هما معربان قال حمید: دأب المجوس عکفت للزون و قال آخر:

• یمشی بهالبقر الموشی اکرعه

• مشی الهرا بذبجوا بیعة الزون^(۱۴)

• پس زون عرب شکل معرب‌یست از (سون) که در سوناگیر هیون تسنگ اشاره شده و رب النوع آفتاب است که شکل آن به صورت هیکل نیم تنه باشعله‌های که از عقب سر اوز بانه کشیده بر برخی از مسکوکات هفتلیان منقوش است که مخالف دین بودایی و گرویده آفتاب پرستی محلی بودند و دکتور جونکربر برخی ازین مسکوکات نامهای بلاد (داور و زابلستان) و غیره را هم خوانده است^(۱۵) که از آن رابطه‌ائین آفتاب پرستی با داور ثابت می‌آید و کلمه‌گیر در سوناگیر هون تسنگ همین‌گر پشتو است که در اسمای بلاد این سرزمین ریشه دوانیده مانند غور – غرستان – سپین‌غر و غیره.

• مخفی‌نماند که در آثار همین کیش آفتاب پرستی معبد بزرگ دیگری در کوتل خیرخانه ۱۲ کیلومتری شمال غرب کابل نیز کشف شده که باستان‌شناسان آنرا معبد سوریا (رب النوع آفتاب) دانسته و هیکل مرمری سوریا را از آن بر آورده‌اند که دو تن مصاحب رب النوع نیز بدو طرف وی دیده‌میشوند و هر سره بر عراده‌یی سوارند که دو اسپ آنرا می‌کشد و راننده عراده هم باکلاه نمدی نورستانی شلاق درازی در دست دارد^(۱۶).

• اکنون از روی این کشف معبد سوریا گفته‌میتوانیم که کلمه (زور) معرب جوالیقی و یاقوت حموی نیز ماخذی کهن دارد و هر دو کلمه زون – زور مربوط به کیش آفتاب پرستی بود^(۱۷) که تا ظهور اسلام هم درین سرزمین رواج داشت و هر کلمه را تازیان از همین سرزمین برده و به معنی بت و مجسمه رب النوع آفتاب آنرا در ادب خود به مجوس و هرېذ منسوب داشته‌اند که تحول این دو کلمه چنین شد:

• سونا = سون = زون سوریا = سور = زور

• این دو نام در اسمای قبایل و اماکن افغانستان تاکنون دیده‌میشود سناخیل عشیره ایست از اتمان زیبی مندن افغان^(۱۸) و نام سناحان در افغانستان مروجست سنارود شعبه‌یی بود از دریای هلمند در سیستان که روستاهای آنجا را سیراب میکرد و سناباد در یک میلی طوس قریه‌یی بود مدفن حضرت علی بن موسی رضا ع^(۱۹)، اما زور در نامه قبیله معروف زوری هرات باقیمانده‌اند و زور آباد اکنون همان سورآباد مؤرخین است و قبیله سور افغان و سوریاخیل و سوریان غور که منهاج سراج شرح حال آنها را میدهد^(۲۰) از مظاهر مختلف این نام قدیم به شمار می‌آید.

• تعیین موقعیت معبد زور:

• شرح فوق رامن در جلد اول افغانستان بعد از اسلام (طبع کابل ۱۳۴۵ ش) نوشته‌بودم و بعد از آن به خواهش انجمن دوستان و شاگردان پروفیسور یان ریپکا مستشرق معروف چکوسلواکیا در یادنامه سال هشتادم تولد وی (طبع پراگ ۱۹۶۷ م) بزبان انگلیسی نشر کردم ولی در آن

اوقات در تعیین مقام این معبد متردد بودم اکنون از گفته مردم زمین داور معلوم شد که در سه میلی جنوب موسی کلا (مرکز زمین داور) دینی بنام (دیه زور) تاکنون موجود است که بر دو حصه تقسیم شده و آنرا زور علیا و سفلی گویند.

• درین دیه آثار حصار و آبادیهای کهن سال مخروبه نیز دیده میشود و مردم مسلمان کنونی آنرا (کافر کلا) گویند که مسکن کافران قدیم بود و میتوان زور کهن مؤرخان را در اینجا تعیین کرد زیرا نام قدیم (زور) تاکنون بران باقی مانده است.

• در الکامل ابن اثیر (طبع بریل ۱۸۶۸ م) نامهای داور – زور بغلط بلدالدول و جبل الزور(?) طبع شده است که نسخه بدلهای جبل الرود – الرور – الرود هم دارد و صحیح آن بلا شک همین بلدالدول و جبل الزون است که اکنون هم زمین داور دیه زور گویند و مسکن اقوام علی زی پښتون است و این منطقه در ماورای هلمند در جنوب غور افتاده و آثار بلاد قدیم و قلاع کهنه فراوان دارد که بدورهای مختلف تاریخ تعلق میگیرند.

• طوریکه در بالا گفتم املاي زون و زور هر دو در کتب تاریخ و ادب مذکور اند و در نظر من هر دو کلمه درست و ما ریشه کلمه زون را در سونه گیر مذکور در سی – یو – کی هیون تسنگ یافته میتوانیم که باید جبل الزون عرب ترجمه سونه x گیر (زون+غر=کوه- زون) باشد. • ریشه این کلمه قدیم آریایی در زبانهای دیگر این خانواده السنه در اروپا نیز بمعنی آفتاب دیده میشود چنانچه در انگلیسی میانه هم سون از ریشه Sunne انگلوساکسون آمده که در جرمنی Sonne بوده و این همه به منبع هند و اروپایی SN-EN-SAN-EN بر میگردد.

• اما کلمه سوریا در سنسکریت بمعنی آفتاب یا دانشمند بوده و سوری یا سوریا رب النوع آفتاب یا خود آفتاب را میگفتند که ریشه های آن از رگویدا و اوستا آمده است.

• در بهاشای میانه سور بمعنی تمثیل رب النوع و بت یا آفتاب آمده که در اساطیر کهن و نامهای اشخاص و اماکن هند ریشه های استواری دارد.

• بدین نهج کلمه سور گاهی بمعنی پلهوان هم بوده و در اسوتا بشکل (سوره) مفهوم قوی نیرومند داشته است.

• بنا برین ملاحظات اشکال زور – سور – زون و داور از نظر زبان شناسی و تاریخ صحت داشته ولی ممسوخات داون و زوز او تصرفات کاتبان نسخ خطی خواهد بود.

• ناگفته نماند که در پښتو وادی ارغنداب و هلمند (سونی) بضم اول و واو مجهول و فتحه نون صفت شخصی است که به بت شبیه بوده و قد کوتاهی داشته باشد.

• مأخذ :

- سي - يو - كي كتاب اول مبحث کیا - پي - شي.
- Webs, ter's New World Dictionary. ۱۹۵۷ , p. ۱۴۵.
- Sanskrit – English Dictionay ۱۲۳۴ – ۱۲۴۳, Oxford ۱۹۶۴.
- Poure Pavoud' yashts, ۱۶۵. Tehran, ۱۹۶۸.
- سي - يو - كي كتاب اول مبحث کیا - پي شي.
- سي - يو - كي كتاب ۱۲ مبحث اول تسو - کو - چا.
- مجله جمعيت اسيايي بنگال، سلسله ۳ جلد ۲ سال ۱۹۳۶ م مقاله ۳۲۸.
- فتوح البلدان، ۴۸۶.
- الكامل، ۶۳ / ۳.
- معجم البلدان ۲۸ / ۴.
- جغرافياي خلافت شرقي، ۵۲۱ ترجمه اردو.
- مسالك وممالك اصطخری، ۱۹۲ ببعد.
- مرصد الاطلاع، ۶۷۶ / ۲.
- المعرب من الكلام الاعجمي طبع احمد شاکر، قاهره ۱۳۶۱ ق ص ۱۶۶.
- تاريخ افغانستان ۵۵۷ / ۲ که نویسنده آن سوناگیرا را در سگاوند لوگر جنوب کابل قرار میدهد ولی لوگر در کابلستان است و در زابل نیست.
- آثار عتیقه کوتل خیرخانه تألیف موسیهاکن ترجمه آقای کهزاد طبع کابل، ۱۳۱۶ ش.
- کریستن سین گوید : کاسی ها که در قرن ۱۸ ق م بابل را به تصرف آوردند پرستنده سوریه بودند و او رب النوع آریایی خورشید و در اوستا هور بود که بعدها در قرن ۱۴ ق م در آثار مکتوب میتانی بصورت میتره دیده میشود و همین میتره در کتاب خانه اسور بانیپال با خدای بابلی شمس دانسته است (مзда پرستی در ایران قدیم، ص ۳۲ از کریستن سین، ترجمه دکتور صفا، طبع تهران، ۱۳۲۶).
- صولت افغانی از محمد زردار خان ناغر، ۳۵۴ طبع کانپور، ۱۸۷۶ م.
- مرصد الاطلاع ۷۴۲ / ۲.
- رجوع شود به طبقات ناصری و حیات افغانی و در قسمت هشتم مبحث سوریان غور کتاب افغانستان بعد از اسلام.
-
- پنجاه مقاله ۱۳۶۲ ش کابل، ص ۲۴۰-۲۵۰.